

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. فرم کلی تابع ثابت $f(x) = k$ است، پس باید $k - 1 = 0$ باشد. اما در اینجا نیازی به محاسبه نیست، چون اگر این مقدار صفر باشد تابع به صورت $f(x) = 3$ است و $f(\sqrt{3}) = 3$ است.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است.

چون تابع $f + g$ به صورت $\{(3, 7), (6, -1)\}$ می‌باشد. پس:

$$(f + g)(3) = 7 \Rightarrow f(3) + g(3) = 7 \xrightarrow{f(3)=1} 1 + g(3) = 7 \\ \Rightarrow g(3) = 6$$

$$(f + g)(6) = -1 \Rightarrow f(6) + g(6) = -1 \xrightarrow{f(6)=-2} -2 + g(6) = -1 \\ g(6) = -1 + 2 = 1 \Rightarrow g(6) = 1$$

$$g(3) - g(6) \xrightarrow[g(6)=1]{g(3)=6} 6 - 1 = 5$$

گزینه ۲ پاسخ صحیح است.

$$f(-2) \cdot g(-2) = -2\sqrt{4 + 5} \times |2(-2) - 1| - 2 \times 3 \times 5 = -30$$

گزینه ۴ پاسخ صحیح است.

$$f(x) = \begin{cases} 0 & x \in \mathbb{Z} \\ -1 & x \notin \mathbb{Z} \end{cases}$$

پس به ازای تمام مقادیر صحیح تابع $\frac{g}{f}$ تعریف نمی‌شود. پس در هیچ نقطه‌ی صحیحی مقدار $\frac{g}{f}$ برابر ۳ نمی‌شود.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. در تابع ثابت تمام خروجی‌ها با هم برابرند:

$$\begin{cases} x + 1 = 2x - 1 \Rightarrow x = 2 \\ y + 1 = x + 1 \Rightarrow y = x = 2 \end{cases} \Rightarrow y \times x = 2 \times 2 = 4$$

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. تابع خطی f ثابت است، پس شیب آن صفر است، در نتیجه:

$$a - 2 = 0 \Rightarrow a = 2$$

تابع خطی g همانی است، پس شیب آن برابر یک است و عرض از مبدأ آن صفر است:

$$b + 3 = 1 \Rightarrow b = -2$$

$$-k + 3 = 0 \Rightarrow k = 3$$

در نتیجه $a + b + k = 3$ و داریم:

$$h(3) = \left| \left[\frac{3 \times 3}{4} \right] - 3 \right| - 1 = |2 - 3| - 1 = 1 - 1 = 0$$

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. ۷

$$D_f = \{2, 3, -1, 0\}$$

$$D_g = \{3, -1, 0, -2\} \Rightarrow D_f \cap D_g = \{3, -1, 0\}$$

$$\left(\frac{2f}{g+1}\right)(3) = \frac{2f(3)}{g(3)+1} = \frac{2 \times 2}{-1+1} = \frac{4}{0}$$

تعریف نشده

پس ۳ عضو دامنه تابع $\frac{2f}{g+1}$ نیست.

$$\left(\frac{2f}{g+1}\right)(-1) = \frac{2f(-1)}{g(-1)+1} = \frac{2 \times 0}{1+1} = 0 \Rightarrow (-1, 0)$$

$$\left(\frac{2f}{g+1}\right)(0) = \frac{2f(0)}{g(0)+1} = \frac{2 \times 1}{0+1} = 2 \Rightarrow (0, 2)$$

پس دارای دو عضو است.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. ۸

دامنه تابع $\frac{g}{f}(x)$ برابر با اشتراک دامنه‌ی این دو تابع است، البته به شرطی که f صفر نشود، دامنه‌ی دو تابع R است اما به ازای $x = -1$ تابع f صفر می‌شود، پس دامنه‌ی $\frac{g}{f}(x)$ برابر $R - \{-1\}$ است.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. $f(x)$ تابعی ثابت است. بنابراین: ۹

$$f(x) = c$$

$$f(1) = f(2) = f(-1) = f(3) = c$$

$$f(1)f(2) = 2f(1) + 3 \Rightarrow c^2 = 2c + 3 \Rightarrow c^2 - 2c - 3 = 0 \Rightarrow (c+1)(c-3) = 0 \Rightarrow \begin{cases} c = -1 \\ c = 3 \end{cases}$$

۹

$$f(2)f(-1) = 1 \Rightarrow c^2 = 1 \Rightarrow \begin{cases} c = 1 \\ c = -1 \end{cases}$$

از اشتراک دو جواب فوق، $c = -1$ قابل قبول است، یعنی: $f(x) = -1$ است.

$$\Rightarrow 2f(3) - f(1) = 2(-1) - (-1) = -2 + 1 = -1$$

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. ضابطه تابع همانی f به صورت $f(x) = x$ و ضابطه تابع ثابت g به صورت $g(x) = k$ است، ۱۰

$$f(2) = 2 \quad g(2) = k$$

پس:

$$f(1) = 1 \quad g(4) = k$$

$$\frac{3f(2) + g(2)}{2g(4) + f(1)} = \frac{10}{9} \Rightarrow \frac{3(2) + k}{2k + 1} = \frac{10}{9} \Rightarrow \frac{6 + k}{2k + 1} = \frac{10}{9}$$

$$20k + 10 = 54 + 9k \Rightarrow 11k = 44 \Rightarrow k = 4$$

$$g(x) = 4 \Rightarrow g(1) = 4$$

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. در نمایش زوج مرتبی تابع همانی، در هر زوج مرتب مؤلفه‌های اول و دوم مساوی هستند. ۱۱

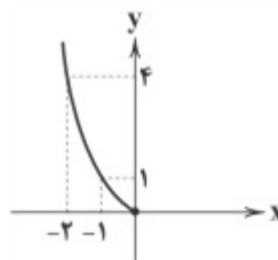
$$a + 1 = 5 \Rightarrow a = 4$$

$$2b - 9 = -1 \Rightarrow 2b = 8 \Rightarrow b = 4$$

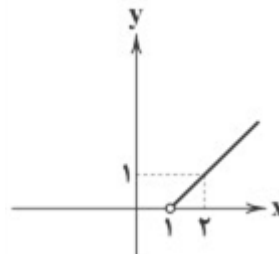
$$c = \sqrt{16} \Rightarrow c = 4$$

چون $a = b = c = 4$ است، در تابع g همه‌ی مؤلفه‌های دوم با هم مساوی هستند. بنابراین تابع g ، تابع ثابت است.

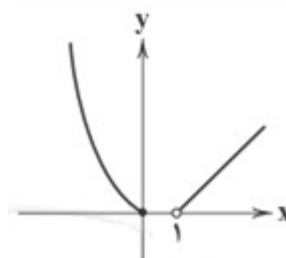
$$x \leq 0 \Rightarrow y = x^2 \Rightarrow \begin{array}{c|cc} x & 0 & -1 & -2 \\ \hline y & 0 & 1 & 4 \end{array}$$



$$x > 0 \Rightarrow y = x - 1 \Rightarrow \begin{array}{c|cc} x & 1 & 2 \\ \hline y & 0 & 1 \end{array}$$



اگر دو نمودار را ادغام کنیم، خواهیم داشت:



گزینه ۳ پاسخ صحیح است. دامنه تعریف تابع f مجموعه اعداد حقیقی می باشد که طبق تعریف جزء صحیح می توانیم تابع f را به صورت تابع دو ضابطه ای به صورت زیر بیان کنیم.

$$x \in \mathbb{Z} \Rightarrow [x] + [-x] = 0$$

$$x \notin \mathbb{Z} \Rightarrow [x] + [-x] = -1$$

$$f(x) = \begin{cases} 0 & x \in \mathbb{Z} \\ -1 & x \notin \mathbb{Z} \end{cases}$$

بنابراین برد تابع f ، مجموعه $R_f = \{0, -1\}$ می باشد که دارای ۲ عضو است.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. چون $f(x) = [x]$ و $g(x) = c$ با استفاده از اطلاعات داده شده می توانیم مقدار c را تعیین کنیم:

$$f(-2) + g(2) = 7 \Rightarrow [-2] + c = 7 \Rightarrow -2 + c = 7 \Rightarrow c = 9$$

پس ضابطه تابع ثابت g به صورت $g(x) = 9$ می باشد. اکنون می توانیم حاصل عبارت موردنظر را به دست آوریم.

$$\sqrt{3} \approx 1.7 \Rightarrow f(\sqrt{3}) = [\sqrt{3}] = 1$$

$$g(x) = 9 \Rightarrow g(\sqrt{2}) = 9$$

$$f(\sqrt{3}) + g(\sqrt{2}) = 1 + 9 = 10$$

ابتدا مقدار x را از حل معادله $3x - 2 = 0$ به دست می آوریم:

$$3x - 2 = 0 \Rightarrow x = \frac{2}{3}$$

با جایگذاری $x = \frac{2}{3}$ ، مقدار عبارت به دست می آید:

$$\left| \left[10 \times \frac{2}{3} \right] - \left[-10 \times \frac{2}{3} \right] \right| = \left| \left[\frac{20}{3} \right] - \left[-\frac{20}{3} \right] \right|$$

از آن جایی که جزء صحیح به همه اعداد میان دو عدد متوالی k و $k+1$ ، عدد صحیح k را نسبت می دهد، جزء صحیح هر عدد غیر صحیح برابر عدد صحیح کوچکتر خواهد شد.

$$\left[\frac{20}{3} \right] = [6/\dots] = 6$$

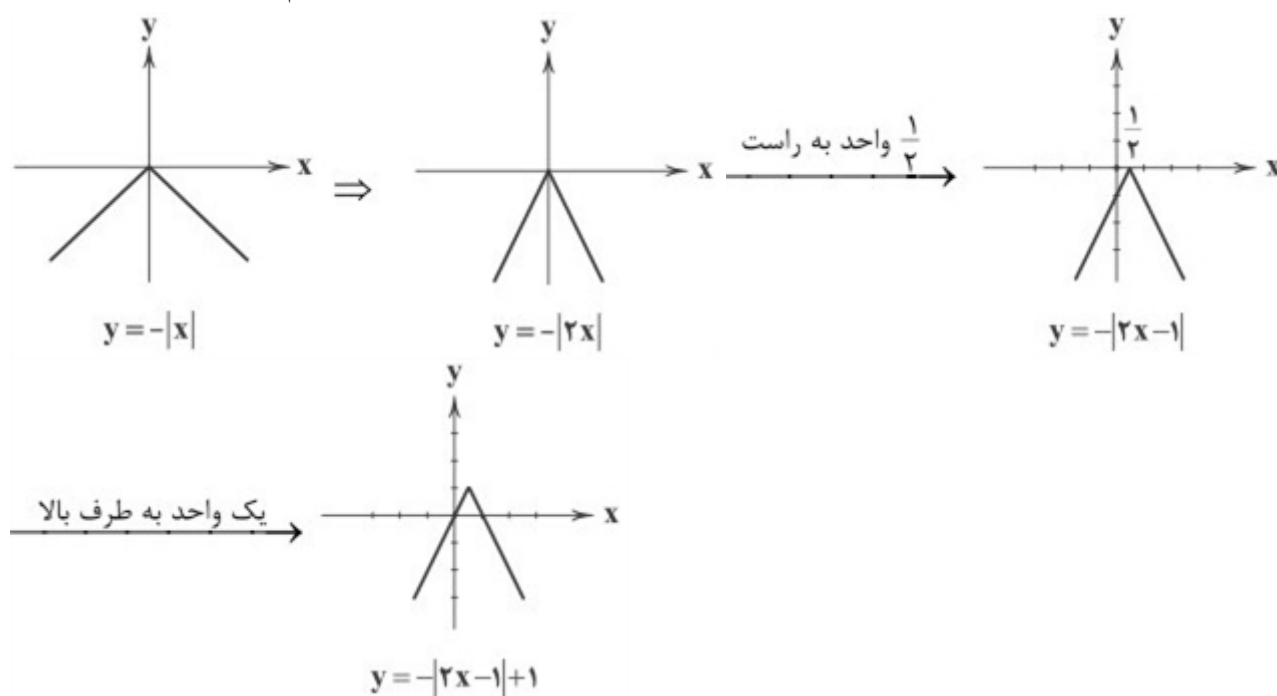
$$\left[-\frac{20}{3} \right] = [-6/\dots] = -7$$

$$\left| \left[\frac{20}{3} \right] - \left[-\frac{20}{3} \right] \right| = |6 - (-7)| = 13$$

$$\begin{cases} f(-0/7) = [1 - 3(-0/7)] = [1 + 2/1] = [3/1] = 3 \\ f(-0/07) = [1 - 3(-0/07)] = [1 + 0/21] = [1/21] = 1 \end{cases} \Rightarrow \text{جواب} = 3 - 1 = 2$$

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. تابع $\begin{cases} f: A \rightarrow B \\ f(x) = c \end{cases}$ را که در آن مجموعه $R = \{c\}$ برد تابع است، تابع ثابت می نامند. با این تعریف گزینه ی (۳) تابع ثابت نمی باشد.

ریشه ی قدرمطلق $2x - 1 = 0 \Rightarrow x = \frac{1}{2}$



گزینه ۴ پاسخ صحیح است. ابتدا تابع‌های $f+g$ و $f \times g$ را با توجه به $D_{f \times g} = D_f \cap D_g$ به دست می‌آوریم:

$$f+g = \{(3, 6), (5, -1)\}, f \times g = \{(3, 5), (5, -42)\}$$

برای دو تابع $A(x)$ و $B(x)$ داریم:

$$D_{\frac{A}{B}} = D_A \cap D_B - \{x | B(x) = 0\}$$

پس:

$$\frac{f+g}{f \times g} = \left\{ \left(3, \frac{6}{5} \right), \left(5, \frac{1}{-42} \right) \right\}$$

گزینه ۱ پاسخ صحیح است.

$$\text{sign}(x) = \begin{cases} 1 & x > 0 \\ 0 & x = 0 \\ -1 & x < 0 \end{cases} \text{ و } |x| = \begin{cases} x & x \geq 0 \\ -x & x < 0 \end{cases} \text{ می‌دانیم}$$

$$(f \times g)(x) = f(x) \times g(x) = \text{sign}(x) \times |x| = \begin{cases} 1 \times x & x > 0 \\ 0 \times x & x = 0 \\ -1 \times -x & x < 0 \end{cases}$$

$$\Rightarrow \begin{cases} x & x > 0 \\ 0 & x = 0 \\ x & x < 0 \end{cases} \Rightarrow (f \times g)(x) = x$$

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. در این گزینه، شاعر، اعتراف می‌کند که در طول زندگی هرگز گره از کار کسی باز نکرده است،

اما در گزینه‌های دیگر گناهی از او سر نزده است.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. بیت صورت سؤال و بیت نخست، اشاره دارند که عاشق از بلایی که معشوق بر سرش می‌بارد

گریزان نیست و باکی از خطرات راه عشق ندارد.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. تصحیح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: واژگان قدیمی در سبک هندی از اشعار رخت بر بسته‌اند.

گزینه ۲: شعر هندی معناگراست، نه صورت‌گرا.

گزینه ۴: ویژگی‌های سبک خراسانی در اشعار هندی دیده نمی‌شود.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. بررسی دیگر گزینه‌ها:

گزینه ۱: کاربرد وجه وصفی (رنجیده)

گزینه ۲: آوردن تتابع اضافات در تعریف و تمجید بزرگان (خاطر خطیر خسرو جهانگیر)

گزینه ۳: کاربرد وجه وصفی (گرفته)

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. مراد از نثر ساده در این دوره، نثر مرسل در آثاری مانند تاریخ بلعمی نیست. در نثر ساده‌ی

این دوره، لغات و ترکیبات عربی، اشاره به آیات، احادیث و درآمیختگی شعر و نثر دیده می‌شود.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. فقط مورد «بت» ویژگی زبانی سبک هندی است.

الف) یکی از دلایل حذف ویژگی‌های سبکی زبان قدیم، حملات پی در پی بیگانگان مغولان، (تیموریان و ایزیکان) به ایران بود.

ب) ویژگی فکری سبک هندی

پ) ویژگی ادبی سبک هندی

ث) ویژگی فکری سبک هندی

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. همه‌ی موارد درست هستند غیر از مورد «د»، زیرا به علت کاهش نویسندگان توانمند، تاریخ‌نگاری نیز در این دوره افت کرد. چنان‌که تواریخ عمومی این دوره در کنار نهادهای سیاسی و فرهنگی صفویه در جهت نهادینه‌کردن فرهنگ تشیع گام برداشتند.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است.

مفهوم مشترک ابیات مرتبط: ناکامی و بی‌بهرگی عاشق از وصال یار یا ناامیدی از رسیدن به وصال معشوق
مفهوم بیت گزینه‌ی «۴»: پایان‌ناپذیری اشتیاق عاشق حتی با حاصل شدن وصال یار

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. عبارت صورت سؤال و بیت گزینه ۲ هر دو به رازپوشی و فاش نکردن اسرار عشق اشاره دارند. تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه ۱: دل عارف جای اسرار الهی است، ولی گنجایش این اسرار را ندارد.

گزینه ۳: تصویری از مکالمه و نجوای عشق با جان را در تنهایی ترسیم می‌کند و تلویحاً به این نکته اشاره دارد که عشق با جان آمیخته می‌شود نه با جسم و ظواهر آدمی.

گزینه ۴: سرعشق را نمی‌توان پنهان کرد و بالاخره فاش می‌شود.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. بیت سؤال و گزینه ۲ اشاره دارند که اگر کسی در نهایت غم هم باشد، با یاد روی معشوق می‌تواند ایام دوری را تاب بیاورد.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. مفهوم گزینه‌ی (۴): تنهایی و گوشه‌گیری شاعر با آن‌که در جمع است.
مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها: وحدت وجود

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. عبارت سؤال درباره‌ی «صائب تبریزی» شهرت دارد.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است.

کم‌توجهی شاعران کوچه و بازار به آرایه‌های ادبی از «ویژگی‌های ادبی شعر سبک هندی» است.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است.

براساس نظریه‌ی محمدتقی بهار سبک هندی در محدوده‌ی زمانی «قرن دهم تا سیزدهم» رواج داشته است.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. بیت صورت سؤال و این گزینه هر دو به این مفهوم اشاره دارند که پس از عیش و خوشی فراوان، ناخوشی، گریه و سختی نیز فرا خواهد رسید.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. مفهوم مشترک ابیات مرتبط: سخن از عفو و کرم بی‌حد خداوند است که گناهان آدمی را مورد بخشایش خود قرار می‌دهد.

مفهوم بیت گزینه‌ی ۱: اعتراف شاعر به سنگینی گناه خود در قیامت

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. «که» در ابتدای مصراع دوم از اسلوب معادله داشتن جلوگیری می‌کند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: مصراع دوم این بیت مثالی برای معنای مطرح شده در مصراع اول است؛ بنابراین، بیت اسلوب معادله دارد که یکی از آرایه‌های پرکاربرد سبک هندی است. ضمناً این بیت از فروغی بسطامی است و طراحان به این نکته هم توجه نکرده‌اند که نمی‌توان برای سبک هندی از شاعران دوره دیگری (در اینجا بازگشت) مثال آورد.

گزینه ۲: بیت از کلیم کاشانی است. شاعر دلیلی ادبی برای اینکه نمی‌تواند انگشت ندامت به دهان بگیرد آورده است و آن مشغول بودن او به خوردن خون خویش است. حسن تعلیل از آرایه‌های پرکاربرد در سبک هندی است.

گزینه ۳: در این بیت صائب هم مصراع دوم مثالی برای مصراع اول است و بنابراین، بیت اسلوب معادله دارد.

گزینه ۴: این بیت هم از صائب است. کاربرد ردیف‌های طولانی و خوش‌آهنگ یکی از ویژگی‌های ادبی سبک هندی است که در این بیت دیده می‌شود.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است.

در این دوره نثر به زبان عامه نزدیک‌تر شد و استفاده از آیات، احادیث و عبارات عربی رواج بیشتری یافت.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است.

«عین‌الحیات» اثر حسین واعظ کاشفی است. کتاب قاضی نورالله شوشتری، مجالس‌المؤمنین نام دارد.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. تلمیح: به داستان عنقا که جایگاهش در کوه قاف است. / حس‌آمیزی: خواب سنگین

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. شاعران این دوره، سروده‌های خود را بیشتر با مضامین پند و اندرز، توصیف و بیان امور طبیعی و همچنین تبدیل موضوعات و تمثیلات کهن به مضامین تازه و به زبان جدید همراه کردند.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. حکومت صفوی پس از کشاکش‌های به وجود آمده در ایران روی کار آمد و مذهب شیعه را ترویج کرد و به شعر ستایشی و درباری و عاشقانه‌های زمینی بی‌توجه بود؛ از این‌رو شاعران سروده‌های خود را بیشتر با مضامین پند و اندرز، توصیف و بیان امور طبیعی و همچنین تبدیل موضوعات و تمثیلات کهن به مضامین تازه و به زبان جدید همراه کردند.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. مفهوم گزینه‌ی (۳): ابراز بندگی به پیر و مرشد

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. مضمون گزینه‌ی (۴): حال عاشق را تنها عاشق درک می‌کند. مضمون مشترک سایر گزینه‌ها: دل عاشق، تنها، جلوه‌گاه، معشوق است.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. مضمون گزینه‌ی (۲) سنگ‌دلی معشوق مضمون مشترک سایر گزینه‌ها: اثرگذاری آه مظلوم و نابودی ظالم

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. اسکندربیگ ترکمان کتاب «عالم‌آرای عباسی» را در موضوع تاریخ نوشته است و جامی در «نفحات‌الانس»، به شیوه «تذکره‌الاولیا» ی عطار، به شرح احوال عرفا و بیان حقایق عرفانی پرداخته است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: موضوع تاریخ گزیده، تاریخ پیامبران، خلفای چهارگانه، خلفای بنی‌عباس و تاریخ ایران تا سال ۷۳۰ هجری قمری است.

گزینه ۲: عین‌الحیات اثر علی بن حسین واعظ کاشفی و در مورد عرفان است. حسین واعظ کاشفی نویسنده «انوار سهیلی» است.

گزینه ۳: مجالس‌المؤمنین در موضوع زندگی‌نامه نوشته شده است. ضمناً نویسنده «المعجم فی معاییر اشعار العجم»، شمس قیس رازی است.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است.

دیباچه کتاب‌هایی مثل «عیار دانش» و «شرفنامه بدلیسی» در عصر سبک هندی، به نثر مصنوع نگاشته می‌شد.

«احسن التواریخ» حسن‌بیگ روملو از نمونه‌های معروف نثر بینابین در سبک هندی است.

«عالم‌آرای عباسی» اثر اسکندربیگ ترکمان از متون ساده در موضوع تاریخ است.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. حضور فعال عالمان دینی در مقابله با روسیه‌ی تزاری و تدوین رساله‌های جهادیه، اصلاحات امیرکبیر و حکم میرزای شیرازی در تحریم تنباکو، نمونه‌هایی از حرکت‌های نخستین بیدارگران اسلامی در ایران و اقدامات سیدجمال‌الدین اسدآبادی و شاگردان او در دیگر کشورهای اسلامی، نمونه‌هایی از این حرکت‌ها در جهان اسلام است. نخستین بیدارگران اسلامی، با وجود رویکرد اعتراض‌آمیز به غرب، از فرهنگ غرب شناخت عمیقی نداشتند.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. مهم‌ترین ویژگی نخستین بیدارگران اسلامی آن است که:

- به خطر کشورهای غربی برای جوامع اسلامی توجه داشتند و خواستار استقلال سیاسی و اقتصادی جوامع اسلامی بودند.
- به دنبال اصلاح رفتار دولت‌ها در کشورهای اسلامی بودند.
- بیداری را بازگشت به اسلام و عمل به آن می‌دانستند.
- بسیاری از آنان وحدت امت اسلامی و عزت جهان اسلام را دنبال می‌کردند و قومیت‌های مختلف را درون امت واحد اسلامی به رسمیت می‌شناختند.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. منورالفکران غرب‌گرا در قدم‌های نخست از ضرورت اصلاحات در دولت‌های کشورهای اسلامی خود سخن می‌گفتند. در نهایت با حمایت کشورهای غربی در جوامع خود حکومت‌های سکولار تشکیل دادند.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. نخستین رویارویی‌های غرب متجدد با جهان اسلام هنگامی رخ داد که قدرت‌های سیاسی جهان اسلام، با آن‌که از مفاهیم دینی و اسلامی پوشش می‌گرفتند، در چارچوب مناسبات قومی و قبیله‌ای عمل می‌کردند.

- نسل اول منورالفکران غرب‌گرا به بهانه‌ی رسیدن به جایگاه کشورهای غربی، نظم پیشین را درهم ریختند.
- حرکت‌های اجتماعی روشنفکران چپ، در چارچوب اندیشه‌های ناسیونالیستی، سوسیالیستی و مارکسیستی بود.
- اعتراض نسل دوم به نسل اول منورالفکران، از نوع اعتراضات قرن بیستم در کشورهای غربی نسبت به عملکرد اقتصادی نظام‌های لیبرالیستی و سرمایه‌داری بود.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. قدرت نظامی، سیاسی، اقتصادی و جاذبه‌های دنیوی کشورهای غربی، (لایه‌های سطحی هویتی غرب)، دولتمردان کشورهای اسلامی را مرعوب و شیفته‌ی فرهنگ غرب می‌ساخت و این مسئله، عزت و استقلال کشورهای اسلامی را تضعیف می‌کرد.

غرب متجدد، زمانی با جهان اسلام روبه‌رو شد که قدرت‌های سیاسی جهان اسلام، با وجود رعایت ظواهر اسلامی، استبدادهای قومی و قبیله‌ای بودند و عالمان دینی، اغلب براساس ضرورت حفظ امنیت با آنها تعامل می‌کردند.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. منورالفکران غرب‌گرا که در قدم‌های نخست از ضرورت اصلاحات در دولت‌های کشورهای اسلامی خود سخن می‌گفتند، در نهایت با حمایت کشورهای غربی در جوامع خود، حکومت‌های سکولار تشکیل دادند.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. با فروپاشی بلوک شرق، روشنفکری چپ در سطح جهانی و در کشورهای اسلامی، جاذبه خود را از دست داد و غرب‌گرایان این جوامع، دیگر بار در حاشیه اندیشه‌های لیبرالیستی غربی قرار گرفتند.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. جهان غرب ابتدا با سطحی‌ترین و ظاهری‌ترین لایه‌های هویتی خود با سایر جهان‌های اجتماعی، از جمله جهان اسلام، مواجه شد و بیش از هر چیز، وجوه نظامی، سیاسی، اقتصادی، فناورانه و ... خود را به رخ کشید اما لایه‌های عمیق آن از چشم اعضای سایر جهان‌ها مخفی ماند. این امر بر چگونگی مواجهه جهان‌های اجتماعی دیگر و اعضای آنها با جهان غرب تأثیر فراوانی گذاشت.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. اعتراض روشنفکران چپ به روشنفکران نسل اول، به دلیل گریز آنان از اسلام یا اسلام‌ستیزی آنان نبود، بلکه از نوع اعتراضاتی بود که طی قرن بیستم در کشورهای غربی نسبت به عملکرد اقتصادی نظام‌های لیبرالیستی و سرمایه‌داری شکل می‌گرفت.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. حضور فعال عالمان دینی در مقابله با روسیه تزاری و تدوین رساله‌های جهادیه، اصلاحات امیرکبیر و حکم میرزای شیرازی در تحریم تنباکو، نمونه‌هایی از حرکت‌های نخستین بیدارگران اسلامی در داخل ایران است.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است.

اشتراک تیمورتاش و محمدعلی فروغی — منورالفکران غرب‌زده

اشتراک واقعه مسجد گوهرشاد و تغییر خط عربی به لاتین — حاکمان سکولار با اتکا به دولت‌های غربی ساختارهای اجتماعی پیشین را حذف و ساختارهای اجتماعی جدیدی را ایجاد کردند.

افتراق نسل اول روشنفکران با نخستین بیدارگران اسلامی — نسبت به کشورهای غربی و استعمارگر احساس خطر نمی‌کردند، بلکه حضور سیاسی و اقتصادی آنان را فرصت می‌دانستند و بیداری را در تقلید از رفتار فرنگیان می‌دیدند.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. بررسی عبارت نادرست:

(ج) متفکران پسامدرن زمانی در اصول و مبانی فرهنگ غرب تردید کردند که سیاست و اقتصاد جهان غرب، ابعاد جهانی پیدا کرده و نیازمند علمی بود که حضور جهانی آن را توجیه کند اما اندیشه‌های پسامدرن این ظرفیت را نداشتند.

- پیدایش فلسفه‌ی دکارت مربوط به دوره‌ی روشنگری و فرهنگ جدید غرب است.
- جنگ‌های صلیبی، مواجهه‌ی اروپاییان با مسلمانان و بالاخره فتح قسطنطنیه، مربوط به قرون وسطی است و زمینه‌های فرو ریختن اقتدار کلیسا را فراهم کرد.
- گریز و رویگردانی از سکولاریسم در جوامع غربی بازار معنویت‌های کاذب و دروغین را رونق بخشید.
- آتاتورک در ترکیه، رضاخان در ایران و امان‌الله خان در افغانستان، سه نمونه از قدرت‌های سکولاری‌اند که آرمان‌های منورالفکران غرب‌زده را با حمایت دولت‌های غربی دنبال می‌کردند.

- فرهنگ شیوه‌ی زندگی گروهی از انسان‌ها است که با یک‌دیگر زندگی می‌کنند. برای مثال نوع خوراکی‌ها، پوشش‌ها، نگرش به عالم و آدم و ... از مصادیق فرهنگ به شمار می‌آیند.
- در کنش اجتماعی رفتار فرد ناظر دیگران (گذشتگان / معاصران / آیندگان) و رفتار و اعمال آن‌ها است.
- روی آوردن به ناسیونالیسم، ویژگی منورالفکران غرب‌زده است.

- گزینه ۳ پاسخ صحیح است. زمانی که تصمیم فرد وابسته به تصمیم‌گیری باشد، سبک تصمیم‌گیری «وابسته» دیده می‌شود و توصیه‌ی مطرح شده د صورت سوال برای نهی نوجوانان از این سبک تصمیم‌گیری است.

- گزینه ۲ پاسخ صحیح است. در سبک اجتنابی، فرد قصد دارد تصمیم بگیرد، ولی هیچ‌گاه تصمیم وی عملی نمی‌شود. به عبارت دیگر، فردی که دارای این سبک تصمیم‌گیری است، «دست، دست می‌کند» و «کار امروز را به فردا می‌اندازد».

- گزینه ۴ پاسخ صحیح است. در حل مسئله توانایی‌های ما محدود است و در واقع، محدودبودن توانایی‌ها و امکانات است که برای ما مسئله را به وجود می‌آورد.

- گزینه ۳ پاسخ صحیح است. ناتوانی در حل مسئله، وضعیت عاطفی ناخوشایندی را ایجاد می‌کند که ناکامی نام دارد. ناکامی‌های مکرر، پیامدهای ناگواری به دنبال دارد و باعث پرخاشگری می‌شود.

- گزینه ۴ پاسخ صحیح است. مائده به سبب هزینه‌ای که برای رسیدن به شرایط فعلی کرده، زندگی مشترک را ادامه می‌دهد، پس ملاک تصمیم‌گیری او بر مبنای «هزینه» است.

- گزینه ۴ پاسخ صحیح است. هر سه گزینه‌ی (۱)، (۲) و (۳) مبتنی بر احساس شخصی و روش‌های اکتشافی هستند. اما گزینه‌ی (۴) مبتنی بر نیازسنجی واقعی است، یعنی مادر میترا به لباس احتیاج دارد، پس روش تحلیلی حل مسئله است و دستیابی به راه‌حل مسئله را تضمین می‌کند.

- گزینه ۱ پاسخ صحیح است. مرحله‌ی دوم روش بارش مغزی، ارائه‌ی راه‌حل‌های مختلف است. در این‌جا پیشنهاد موضوع‌های مختلف توسط دانش‌آموزان بیانگر مرحله‌ی دوم روش بارش مغزی است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۲) تعریف مسئله (مرحله‌ی اول)

(۳) ارائه‌ی معیار برای داوری (مرحله‌ی سوم)

(۴) انتخاب بهترین راه‌حل (مرحله‌ی چهارم)

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. هر سه گزینه‌ی (۱)، (۳) و (۴) اشاره به مسائل خوب تعریف‌شده دارند که در آن‌ها تعریف دقیق هدف میسر است، اما گزینه‌ی (۲) به مسئله‌ی خوب تعریف‌نشده اشاره دارد، زیرا مربوط به علوم انسانی است، بنابراین تعریف دقیق هدف در آن دشوارتر است.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. در تشخیص مسئله، بهتر است دیگران نقش راهنما داشته باشند و فرد خود آن را شناسایی کند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) انتقال مربوط به استفاده از تجارب گذشت است.

(۲) مسئله‌ی مذکور خوب تعریف‌نشده است، بنابراین تعریف دقیق هدف در آن امکان‌پذیر نیست.

(۴) سکه انداختن جزء روش‌های اکتشافی حل مسئله است که مورد قبول همگان نیست.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. استفاده از مطالعه‌ی خردخرد و تمرین مکرر نشان‌دهنده‌ی مرحله‌ی به کارگیری راه حل مناسب برای حل مسئله است که مرحله‌ی بعدی آن ارزیابی راه حل است.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. تصمیم‌گیری، عالی‌ترین و پیچیده‌ترین فعالیت شناختی انسان است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه‌ی ۱: در حل مسئله، افراد به دنبال روش‌های موفق و کارآمد هستند.

گزینه‌ی ۲: حضرت علی (ع) شرط تصمیم‌گیری را رسیدن به یقین می‌داند.

گزینه‌ی ۳: در حل مسئله ممکن است راه‌حل‌های مختلف داشته باشیم، اما فقط یک راه حل است که ما را به حل مسئله می‌رساند.

گزینه‌ی ۴: در حل مسئله، حل‌کنندگان مسئله، باید راه‌حل‌های مسئله موردنظر را خودشان بازآفرینی کنند.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. سهیل از روش بارش مغزی بهره برده است که یکی از روش‌های اکتشافی حل مسئله است. روش‌های اکتشافی نیاز به پردازش عمیق اطلاعات ندارند و در حداقل زمان به راه حل می‌رسند.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. خوب تعریف نشده به معنای پیچیده بودن و دشواری حل یک مسئله است. به عبارت دیگر مسئله‌های پیچیده از آن‌جایی که علل متعددی دارند، به راحتی قابل تعریف نیستند.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. تأثیر یادگیری‌های گذشته بر حل مسئله را انتقال گویند.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. در سبک تصمیم‌گیری اجتنابی، فرد قصد دارد تصمیم بگیرد، اما هیچ‌گاه تصمیم وی عملی نمی‌شود.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است.

«إخواننا»: ای برادرانمان / «رأینا»: دیدیم / «خصالاً»: ویژگی‌هایی / «تُعجبنا»: ما را به شگفتی درمی‌آورد، خوشمان می‌آمد /

«كان»: بود / «محبّاً»: دوستدار / «يفكّ»: آزاد می‌کرد / «لا أكرّم»: هیچ بخشنده‌تری نیست / «منه»: از او

گزینه ۲ پاسخ صحیح است.

«یری»: می‌بیند (رد گزینه «۳») / «لولده حمّی شدیده»: فرزندش تب شدیدی دارد (رد گزینه‌های «۱» و «۳») / «یأخذہ إلی

المستوصف»: او را به درمانگاه می‌برد (رد سایر گزینه‌ها) / «الشلل الدماغي»: فلج مغزی (رد گزینه‌های «۱» و «۳»)

ترجمه‌ی کلمات مهم: لم نَكُنْ نَعْلَمُ: نمی‌دانستیم / من جدید: دوباره، مجدداً / كدنا اُن نتأثّر بـ: نزدیک بود (چیزی نمانده بود که) تحت تأثیر ... قرار بگیریم
بررسی سایر گزینه‌ها:

۲) بر ما تأثیر بگذارد (—) تحت تأثیر قرار بگیریم، «أثّر عَلَى: بر ... تأثیر گذاشت»

۳) ندانسته بودیم (—) نمی‌دانستیم، «لَمْ + مضارع (کان) + مضارع: ماضی استمراری منفی»، جدیداً (مجدداً)، تحت تأثیر قرار گرفته بودیم (—) نزدیک بود تحت تأثیر قرار بگیریم

۴) تأثیر پذیرفته بودیم (مانند گزینه‌ی (۳))

ترجمه‌ی کلمات مهم: إِسْأَلُوا: بخواهید / فَضْلُهُ: بخشش او / كُلّ شيء: هر چیزی
بررسی سایر گزینه‌ها:

۲) بخشش خدا را از او (—) از خدا بخشش او را، بر (—) به

۳) پرسیدند (—) بخواهید، «إِسْأَلُوا» امر است.

۴) بر (—) به، چیز (—) چیزی، «شيء» نکره است.

۱) هیچ کسی آدم دروغگو را باور نمی‌کند حتّی راست بگوید. (طبق متن کاملاً درست است.)

۲) برای بار دوم، هنگامی که اهالی روستا صدای چوپان را شنیدند، به او توجّه نکردند. (برای بار سوم بود که به چوپان توجّه نکردند.)

۳) برای بار سوم، اهالی روستا اعتقاد داشتند که چوپان به آنها دروغ می‌گوید. (طبق متن کاملاً درست است، مردم برای بار سوم دیگر به چوپان توجّه نکردند.)

۴) چوپان دروغ می‌گفت تا اوقاتش را بگذراند. (بله طبق متن چوپان خسته شده بود و می‌خواست اوقاتش را بگذراند، برای همین دروغ می‌گفت.)

ترجمه متن:

چوپانی وجود داشت که به نگهداری گوسفند در خارج روستا می‌پرداخت. در روزی از روزها از کارش خسته شد پس فکر کرد که چه کاری انجام بدهد تا وقت را بگذراند؟ اهالی روستا را صدا زد و به آنها با بلندترین صدا گفت: «گرگ، گرگ، کمک، کمک، نجاتم دهید». پس اهالی روستا به سوی رفتند ولی هیچ گرگی آنجا ندیدند و چوپان به آنها خندید. بعد از روزهای کمی، چوپان کارش را تکرار کرد. هنگامی که اهل روستا صدایش را برای دوم شنیدند، به سوی او شتافتند پس گرگی را نیافتند. و در روزی از روزها گرگ واقعی ظاهر شد و چوپان شروع کرد به کمک خواستن از اهالی روستا، اما مردم به او توجّه نکردند و اعتقاد داشتند که او به آنها مثل گذشته دروغ می‌گوید. و گرگ بسیاری از گوسفندان چوپان را خورد.

۱) گوسفند و گرگ

۲) چوپان و اهالی روستا

۳) چوپان خسته

۴) چوپان دروغگو (مناسب‌ترین عنوان برای متن است.)

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. خطاهای این گزینه: فعل ماضی: «أَنْقُذُونِي» فعل امر از باب افعال است، چرا که عین الفعل آن کسر «ـِ» دارد نه فتحه «ـَ». / لِلْغَائِبِينَ: للمخاطبين است.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. «نُشَاهِدُ» بر وزن «نُفَاعِلُ» فعل مضارع معلوم است. بنابراین نائب فاعل هم ندارد بلکه ضمیر مستتر «نَحْنُ» فاعل این فعل می‌باشد.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. الْمُسْلِمُونَ (المُسْلِم) از فعل مضارع «يُسْلِمُ» ساخته شده که مصدر این فعل «إِسْلَام» است.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. تعیین کنید آنچه در متن نیامده است:

- ۱) ساسانی‌ها پیش از حملهٔ مسلمان‌ها، به ایرانی‌ها حکومت می‌کردند.
- ۲) در ایران، پس از ورود اسلام دولت به «سامانی» انتقال یافت.
- ۳) مسلمانان قصد داشتند که به واسطهٔ فتح ایران مملکت‌هایشان (مناطق تحت حکومتشان) را زیاد کنند.
- ۴) همانا مسلمانان برای به دست آوردن اهدافشان و نه به منظور اشتیاقشان به زبان ایرانی‌ها روی آوردند.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. ترجمهٔ متن:

«هنگامی‌که مسلمانان در سال ۲۱ هجری پس از فروپاشی دولت ساسانی، شرق ایران را فتح کردند و در آن ساکن شدند، در یادگیری لهجه‌ها و گویش‌ها ملت‌هایش (یعنی ایران) با دشواری روبه‌رو شدند و ناچار به پذیرش زبان فارسی دری شدند در حالیکه آن زبان مراکز دولت سامانی بود.

(دری) فارسی خالصی بود که میان ملت‌های این منطقه معروف بوده پس مسلمانان برای مُحَقِّق ساختن اهدافشان آن را آموختند.

این زبان، (زبان دری) ریشه‌های فارسی اصلی کنونی به شمار می‌رود پس از آنکه با واژگان و اصطلاحات عربی مخلوط شده است تا از آن یک فارسی جدید آفریده شود و این چنین می‌بینیم که فارسی جدید، زبانی نیرومند ممتاز شده است، زیرا توانست که از زبان عربی بسیار استفاده نماید علاوه بر اینکه از ریشه‌های فارسی و عمیق را به همراه خود دارد.

پس اگر شرایط به زبان فارسی اجازه نمی‌داد که با زبان عربی و وزنهای شعری آن ترکیب شود، و یک میدان گسترده به سبب طبیعت واژه‌سازانه‌اش (مشتق‌سازی‌اش کلمه پردازی‌اش) نداشت ممکن نبود که زبان فارسی کنونی به این درجه از رشد و گسترده‌گی و ظرفیت برسد.»

- ۱) زبان فارسی دری پس از فتح اسلامی دست نخورده باقی ماند و تغییر نکرد.
- ۲) زبان فارسی قبل از آمیختنش با عربی سرشار از وزنهای شعری بود.
- ۳) قطعاً تأثیر عربی بر فارسی دری در زمینهٔ قواعد زبان فارسی قابل ملاحظه است.
- ۴) واژه‌سازی از ویژگی‌های زبان عربی است که بسیار بر فارسی اثر گذاشت و سبب ثروتمندی‌اش شد.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است.

معادل دقیق مصراع به کار رفته در گزینه‌ی «۳»: «آزموده را آزمودن خطاست!»

تشریح سایر گزینه‌ها:

- گزینه‌ی «۱»: مفهوم: هر انسانی، با یادگرفتن یک زبان جدید، توانایی و شخصیت جدیدی به خود اضافه می‌کند!
- گزینه‌ی «۲»: مفهوم: قبل از سخن گفتن، باید حتماً فکر کرد!
- گزینه‌ی «۴»: مفهوم: هر اندیشه و احساسی به نوعی در ظاهر و کلام شخص پدیدار می‌شود!

گزینه ۲ پاسخ صحیح است.

اگر اسم افعال ناقصه پس از آن‌ها ظاهر شود (الطَّالِبَات)، فعل ناقص در ابتدای جمله حتماً به‌صورت مفرد به‌کار می‌رود، پس در گزینه‌ی «۲» فعل در ابتدای جمله باید «کانت» باشد.

با توجه به قید زمان آینده «غداً: فردا» فعل «لَمْ نَذْهَبْ» (نرفتیم، نرفته‌ایم) چون معنایش بر ماضی منفی دلالت دارد، نادرست است و باید فعل «لَنْ نَذْهَبْ» (نخواهیم رفت) که مضارع منصوب است و بر مستقبل و آینده منفی دلالت دارد به کار برده می‌شد.

«لَمْ»: معادل «لماذا» و کلمه پرسشی است / «لَا تَبْحَثَنَّ» مضارع منفی است که به صورت مضارع اخباری منفی ترجمه می‌شود (جست‌وجو نمی‌کنید/ تحقیق نمی‌کنید) [چرا درباره علّت به وجود آمدن بیماری‌ها در فصل زمستان تحقیق نمی‌کنید؟]

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: «يَتَوَكَّلْ» فعل شرط مضارع التزامی ترجمه می‌شود. (توکل کند)

گزینه «۲»: «لَا يُسَافِرُوا» فعل نهی جمع مذکر غائب است که مضارع التزامی ترجمه می‌شود، نباید مسافرت کنند (مسافرت نکنند)

گزینه «۳»: «لُطَالَعَ» مضارع منصوب با حرف ناصبه «لِ» مضارع التزامی ترجمه می‌شود، تا مطالعه کنم.

«لَا يَتَنَابَرُ» فعل مضارع منفی است (لقب زشت نمی‌دهد).

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: «لِ + فعل مضارع — باید بداند».

گزینه «۳»: «لِ + فعل مضارع — باید کمک کنند».

گزینه «۴»: «لَا + فعل مضارع مجزوم — نباید بگیرند».

کانت + تَسَاقَطَتْ — ماضی بعید — پی‌درپی افتاده بودند

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: «كَانَ يَسْتَمِعُونَ — ماضی استمراری: گوش می‌دادند».

گزینه «۲»: «كَانُوا يَسْأَلُونَ — ماضی استمراری: می‌پرسیدند».

گزینه «۳»: «كَانَتْ يَكْتُبْنَ — ماضی استمراری: می‌نوشتند».

إذا: از ادوات شرط / ظَهَرَتْ: فعل شرط / تَتَكَوَّنُ: جواب شرط که فعل ناقصه نیست. چون «كَانَ» اگر به باب‌های «تَفْعِيل» و «تَفْعُل» برود جزو افعال ناقصه نیست.

جواب شرط در سایر گزینه‌ها: «يَكُنْ، تُصْبِحُوا و يَصْبِحْ»

«لَمْ أَذْهَبْ» معادل ماضی ساده منفی یا ماضی نقلی منفی ترجمه می‌شود = نرفتم، نرفته‌ام / «لَنْ أَذْهَبَ»: معادل مستقبل منفی است و با صرف «نخواهد» ترجمه می‌شود.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۲»: لِيُحَاوِلُوا - به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود (باید تلاش کنند)

لَا يَتَكَاثَلُوا = به صورت مضارع التزامی منفی ترجمه می‌شود (نباید تنبلی کنند)

گزینه «۳»: يُسَجَّلُ = فعل شرط (مضارع التزامی ترجمه می‌شود: ثبت کند) / يَصِلُ جواب شرط (مضارع اخباری ترجمه می‌شود، می‌رسد).

گزینه «۴»: أُرِيدُ = مضارع اخباری ترجمه می‌شود (می‌خواهم) / أَنْ أَجْتَهِدَ = مضارع التزامی ترجمه می‌شود. (تلاش کنم) / لِأَحْصِلَ = مضارع التزامی ترجمه می‌شود (تا به دست آورم).

۱۰۰

گزینه ۳ پاسخ صحیح است.

کلمه «ذَوْ سَعَةٍ» توانمند $\neq$ الفقير: ندار» با هم متضاد هستند و کلمه «الغنى» به معنای «توانگر» مترادف می‌باشد.

۱۰۱

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. چند سال پس از به قدرت رسیدن شاه اسماعیل اول، سلطان سلیم عثمانی با لشکری بزرگ و به قصد نابودی حکومت نوپای صفوی به سوی ایران حرکت کرد. این سپاه علاوه بر قتل عام شیعیان و مریدان طریقت صفوی در آسیای صغیر، در چالدران سپاه ایران را شکست داد و پایتخت صفویان (تبریز) برای مدتی به اشغال عثمانی‌ها درآمد.

۱۰۲

گزینه ۲ پاسخ صحیح است.

علت واقعی آن، نگرانی و ترسی بود که سلطان سلیم از ایجاد حکومت قدرتمند صفوی در دل داشت.

۱۰۳

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: در دوران شاه صفی، قندهار توسط گورکانیان هند از ایران جدا شد.

گزینه «۲»: با به تخت نشستن شاه سلیمان، روند انحطاط و زوال صفویان شدت گرفت.

گزینه «۴»: شاه صفی، دستور به قتل سردار باکفایتی مانند امام‌قلی‌خان، حاکم فارس را داد.

۱۰۴

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. اروپاییان در عصر صفوی قادر به تحمیل اهداف خود به این دولت نبودند و صفویان با اقتدار از روابط با اروپا در جهت اهداف خود سود می‌بردند. سایر گزینه‌ها از علل همکاری غرب و صفویه هستند، اما چرایی استعماری نبودن این رابطه را توضیح نمی‌دهند.

۱۰۵

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: دو دولت صفوی و تیموریان بر سر مسئله قندهار با یکدیگر اختلاف داشتند و این شهر چند بار میان دو طرف دست به دست شد، اما در مجموع، روابط آن‌ها حسنه بود.

گزینه «۲»: حاکمان ازبک همواره روابط دوستانه و گرمی با حکومت عثمانی داشتند و در حمله به قلمرو صفوی به صورت هماهنگ عمل می‌کردند.

گزینه «۴»: چند سال پس از به قدرت رسیدن شاه اسماعیل اول، سلطان سلیم عثمانی با لشکری بزرگ و به قصد نابودی حکومت نوپای صفوی به سوی ایران حرکت کرد. دیگر سلاطین عثمانی نیز بارها به ایران لشکرکشی کردند، اما صفویان با درک شرایط، به شیوه‌های مختلف در برابر دشمن ایستادگی کردند.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. شاه عباس اول، برای تحقق هدف ثبات سیاسی و برقراری نظم و امنیت در داخل کشور، امرای سرکش و طغیانگر قزلباش را سرکوب کرد و قدرت سیاسی و نظامی آنان را به طور چشمگیری کاهش داد.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. در سال‌های آغازین پادشاهی شاه تهماسب، اوضاع حکومت صفوی بسیار آشفته و نابسامان بود، از یک سو، سران ایلات قزلباش به خودسری و نافرمانی پرداختند و با یکدیگر به نزاع برخاستند و از سوی دیگر، ازبکان از شرق و عثمانی‌ها از غرب به مرزهای ایران هجوم آوردند.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. شاه عباس اول به منظور تقویت قدرت سیاسی و نظامی دولت مرکزی و کاهش توان سیاسی و نظامی امیران و ایلات قزلباش، سپاهی دائمی و حرفه‌ای ایجاد کرد که کاملاً مطیع و وفادار به شخص او بود.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. شاه عباس اول به انگیزه بهره‌برداری از دانش نظامی و فنی اروپاییان و نیز به منظور توسعه تجارت خارجی، کوشید تا مناسبات دوستانه‌ای با کشورهای اروپایی برقرار کند.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. شاه عباس اول برای پرداخت حقوق و تأمین تدارکات و تجهیزات سپاه جدید، زمین‌های فراوانی را به املاک خاصه پادشاهی تبدیل کرد.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. بررسی سایر گزینه‌ها:

۲) شاه اسماعیل صفوی: شکست ازبکان و کشته شدن شیبک‌خان

۳) شاه عباس اول: انتقال پایتخت از قزوین به اصفهان

۴) در جنگ بین سلطان سلیم و شاه اسماعیل، سلطان سلیم پیروز شد.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. شاه صفی، نوه و جانشین شاه عباس اول، از تعادل روحی و سلامت عقل بهره کافی نداشت. او دستور به قتل سردار با کفایتی مانند امام قلی خان، حاکم فارس داد.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. در دوره صفوی در زمان شاه صفی، قندهار توسط گورکانیان هند از ایران جدا شد. شاه عباس دوم، پسر و جانشین شاه صفی، قندهار را پس گرفت.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. نواحی خودمختار به استان‌ها یا ایالت‌هایی گفته می‌شود که به دلیل شرایط قومی و مذهبی و نظایر آن، از استقلال محدودی برخوردارند و در امور سیاست خارجی و دفاع، تابع حکومت مرکزی هستند. مناطق آزاد تجاری، مناطقی هستند که برخی قوانین و مقررات کشور در آنها جرا نمی‌شود، برای مثال، اتباع خارجی می‌توانند بدون اخذ روادید (ویزا) از قبل، به مناطق آزاد تجاری یک کشور وارد شوند و یا قوانین مالیاتی و گمرکی کشورها در مورد سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد اجرا نمی‌شود.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است.

کشور ایران، ناحیه‌ی سیاسی ملی است.

شهرستان‌های استان تهران، ناحیه‌ی سیاسی فروملی است.

اتحادیه‌ی اروپا، ناحیه‌ی سیاسی فراملی (منطقه‌ای) است.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. سه ناحیه‌ی خودمختار در جهان، نخجوان (جمهوری آذربایجان)، کردستان (عراق) و بندر هنگ‌کنگ (چین) است.

- الف) کشورهای محاطی، کشورهایی هستند که درون یک کشور بزرگ محصور شده‌اند.
 ب) کشورهای چندپاره یا چندتکه، کشورهای جزیره‌ای هستند.
 ج) کشورهای دنباله‌دار یک بخش شبه‌جزیره‌ای یا دالان‌مانند دارند که از سرزمین اصلی جدا افتاده است.

- الف) ناحیه سیاسی منطقه‌ای عبارت است از چند کشور که تحت اداره یک نظام مدیریت منطقه‌ای قرار گرفته‌اند و این کشورها در عین استقلال، با هم متحد هستند.
 د) اِغلیب کشورهای اتحادیه اروپا یورو را به عنوان واحد پول مشترک پذیرفته‌اند.

- از لحاظ موقعیت جغرافیایی اتحادیه آسه آن در آسیای جنوب شرقی قرار دارد و ایران عضو اتحادیه آکو می‌باشد. هدف اصلی از ایجاد مناطق آزاد تجاری، توسعه صادرات و رونق اقتصادی است که از جمله آن بندر آزاد تجاری شانگهای چین را می‌توان نام برد که از نظر تعداد جابه‌جایی کانتینر، در جایگاه نخست بنادر جهان قرار دارد.

- الف) اندونزی: مستعمره هلند بود. / کنگو: مستعمره بلژیک بود. / الجزایر: مستعمره فرانسه بود.
 ب) یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این دوره (دوران پس از جنگ جهانی دوم)، گسترش شرکت‌های چندملیتی بود.

- گزینه ۴ پاسخ صحیح است. این شرکت‌ها (چندملیتی) گاه انحصار تولید یک کالا را در دست می‌گیرند و کارخانه‌های داخلی کشورها را از دور رقابت، خارج می‌کنند و موجب ورشکستگی آن‌ها می‌شوند. در این صورت، وابستگی نواحی به کشورهای توسعه‌یافته صنعتی بیشتر می‌شود.

- گزینه ۳ پاسخ صحیح است. بهترین شکل برای یک کشور، شکل فشرده است که در آن پایتخت در مرکز قرار گرفته است. در چنین وضعیتی، در کم‌ترین زمان می‌توان از مرکز یک سرزمین به تمام نقاط آن دسترسی پیدا کرد. قابلیت دفاعی کشور در این شکل زیاد است.

- ۱- سازه‌ی انسانی (جمعیت و روابط انسانی)
- ۲- نظام مدیریت
- ۳- قلمرو جغرافیایی

- گزینه‌ی ۲: مرکز اصلی تولید و فروش کالاها و خدمات شرکت‌های چندملیتی، شرکت‌های وابسته یا محلی در کشورهای میزبان هستند.
 گزینه‌ی ۳: امروزه کشورها با ایجاد مناطق آزاد تجاری به توسعه‌ی صادرات یک کشور و رونق اقتصادی آن کمک می‌کنند.
 گزینه‌ی ۴: کشورهای پیرامون عمدتاً تولیدکننده و صادرکننده‌ی مواد اولیه و خام هستند و از نظر فناوری در سطح پایین‌تری قرار دارند.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. دامنه‌ی مصادیق عبار بعضی مهره‌داران حیوان نیستند - و + می‌باشد چون کمیت آن جزء است و کیفیت آن سالبه است.

دامنه‌ی مصادیق هیچ حساسی نحو ندارد + و + است چون کمیت آن کل است و کیفیت آن سالبه است. دامنه‌ی مصادیق بعضی انسان‌ها متفکر هستند - و - است چون کمیت آن جزء است و کیفیت آن موجهه است.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. بررسی گزینه‌ها:

(۱) نامعتبر است، چون هر دو مقدمه سالبه آمده است.

(۲) نامعتبر است، چون دامنه‌ی مصادیق الف در مقدمه دوم مثبت است، اما در نتیجه منفی آمده است.

(۳) نامعتبر است، چون دامنه‌ی مصادیق در مقدمه‌ی اول مثبت است اما در نتیجه منفی آمده است.

(۴) صحیح است، چون دامنه‌ی مصادیق رعایت شده، هر دو مقدمه سالبه نیست و اگر یکی از مقدمات سالبه است نتیجه هم سالبه آمده است.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. در شکل اول، امکان این وجود دارد که هر دو مقدمه موجهه باشد و نتیجه هم معتبر باشد. مثال $\leftarrow$ هر الف ب است، هر ب ج است، پس: هر الف ج است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه‌ی ۱: چون در قیاس شکل سوم حد وسط در هر دو مقدمه در جایگاه موضوع قرار دارد برای حفظ اعتبار قیاس نباید هر دو مقدمه جزئی باشد تا علامت حد وسط در هر دو مقدمه منفی نشود.

گزینه‌های ۲ و ۴: در شکل دوم قیاس از آنجایی که حد وسط در هر دو مقدمه محمول است، باید حداقل یکی از مقدمات سالبه باشد تا علامت حد وسط مثبت شده و قیاس معتبر باشد، در این صورت نتیجه نیز قطعاً سالبه خواهد بود.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. در استدلال قیاسی، مقدمات ضرورتاً نتیجه را در پی دارند و پذیرش مقدمات، پذیرش نتیجه استدلال قیاسی را به دنبال دارد.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. در قیاس اقترانی، اگر یکی از مقدمات قیاس، سالبه باشد، نتیجه نیز قطعاً سالبه خواهد بود. در این قیاس، مقدمه‌ی دوم، سالبه است اما نتیجه، موجهه است، پس این استدلال، معتبر نیست، چون قانون نتیجه‌ی قیاس در آن رعایت نشده است.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. بررسی گزینه‌ها:

(۱) وقتی یک مقدمه‌ی قیاس موجهه باشد، به صورت قطعی نمی‌توانیم بگوییم که نتیجه‌ی آن قطعاً موجهه است، چون مقدمه‌ی دیگر آن شاید سالبه باشد، در آن صورت نتیجه‌ی قیاس سالبه خواهد بود نه موجهه.

(۲ و ۴) وقتی دو مقدمه‌ی قیاس اقترانی، کلی باشد، نتیجه‌ی الزاماً نخواهد بود، از جمله در شکل سوم که تمام قیاس‌های معتبر آن دارای نتیجه‌ی جزئی است. همچنین وقتی دو مقدمه‌ی قیاس اقترانی، کلی باشد، نتیجه‌ی الزاماً جزئی نخواهد بود، مثلاً در شکل اول و دوم از دو مقدمه‌ی کلی الزاماً نتیجه‌ی کلی معتبر به دست می‌آید، اگر چه براساس قاعده‌ی تداخل نتیجه‌ی معتبر جزئی نیز به دست می‌آید.

(۳) وقتی یک مقدمه‌ی قیاس موجهه باشد، نتیجه‌ی آن شاید موجهه است.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. گاهی مقدمه‌ها به ترتیب منطقی نیستند و جای مقدمه‌ی اول و دوم عوض می‌شود!

هر قیاس ۲ مقدمه دارد.

۱- مقدمه‌ی اول — موضع نتیجه در آن قرار دارد.

۲- مقدمه‌ی دوم — محمول نتیجه در آن قرار دارد.

به قیاس زیر توجه کنید.

هر شاعری انسان است — انسان در نتیجه در جایگاه محمول است پس از نظر منطقی، این مقدمه‌ی دوم یا کبری قیاس ما است.

سعدی شاعر است — سعدی در موضوع نتیجه ذکر شده پس از نظر منطقی، این مقدمه‌ی اول یا صغری قیاس ما است.

سعدی انسان است.

از مثال بالا نتیجه می‌گیریم جایگاه موضوع و مضمومول است که مقدمه‌ی اول یا دوم بودن قیاس را تعیین می‌کند، نه ترتیب نوشتن آن.

به عبارت دیگر، این‌که کدام مقدمه‌ی اول نوشته شود مهم نیست، بلکه باید براساس قاعده‌ی بالا عمل کنیم. بررسی گزینه‌ها:

۱) اگر براساس ترتیب نوشته شده بخواهیم شکل قیاس را مشخص کنیم، شکل چهارم صحیح است. اما براساس نکته‌ی بالا، شکل اول است! (حدوسط در مقدمه‌ی اول محمول و در مقدمه‌ی دوم، موضوع است.)

۲) اگر براساس ترتیب نوشته شده بخواهیم شکل قیاس را مشخص کنیم، شکل چهارم صحیح است. اما براساس نکته‌ی بالا، شکل اول است! (حدوسط در مقدمه‌ی اول محمول و در مقدمه‌ی دوم، موضوع است.)

۳) شکل اول است. (حدوسط در مقدمه‌ی اول محمول و در مقدمه‌ی دوم، موضوع است.)

۴) شکل دوم است (حدوسط در مقدمه‌ی اول محمول و در مقدمه‌ی دوم نیز محمول است.)

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. هر کدام از موضوع یا محمول که در نتیجه علامت مثبت داشتند، باید در مقدمات هم

علامت مثبت داشته باشند.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است.

گزینه‌ی ۱ شکل دوم و نامعتبر است؛ زیرا هر دو مقدمه سالبه است. گزینه‌ی ۲ شکل سوم و نامعتبر است؛ زیرا محمول نتیجه دارای علامت مثبت است ولی علامت آن در مقدمه‌ی دوم منفی است. گزینه‌ی ۳ شکل چهارم و معتبر است.

گزینه‌ی ۴ شکل اول و نامعتبر است؛ زیرا حد وسط در هر دو مقدمه علامت منفی دارد.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. در استدلال قیاسی، رسیدن به نتیجه قطعی می‌باشد اما در استقرا چنین نیست و تفاوت

اصلی این دو نوع استدلال در این موضوع است.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. افلاطون و ارسطو هر دو به قوه‌ی عقل به عنوان یکی از ویژگی‌های نفس مجرد انسان باور

داشتند و وجه تمایز انسان از سایر حیوانات را قوه‌ی نطق به معنای تفکر و تعقل می‌دانستند. بالقوه بودن استعدادهاى انسان از آرای ارسطو است. (نادرستی گزینه‌ی ۱) اینکه ارزشمندترین دارایی انسان، نفس اوست، مربوط به آرای افلاطون است. (نادرستی گزینه‌ی ۲) تقسیم فلسفه به نظری و عملی، مربوط به آرای ارسطو است. (نادرستی گزینه‌ی ۳)

۱) ماتریالیست‌ها معتقدند ذهن و روان هم چیزی جز مغز و سلسله‌ی اعصاب نیست. به اعتقاد ماتریالیست‌ها انسان یک ماشین مادی بسیار پیچیده است، نه چیزی فراتر از آن.
۲ و ۳) ماتریالیست‌ها می‌گویند همه‌ی موجودات و از جمله انسان فقط از یک بُعد مادی و جسمانی است.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. توضیحات بیان‌شده مربوط به شیخ شهاب‌الدین سهروردی است

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. بیکن از نخستین فیلسوفانی بود که بر اهمیت حس و تجربه اصرار می‌ورزید و به اصالت تجربه معتقد بود (رد گزینه‌های ۴ و ۱). به نظر بیکن فیلسوفان گذشته با دنباله‌روی از ارسطو، بیشتر بر استدلال عقلی تکیه کرده بودند و همین امر سبب شده بود که علوم تجربی در خرافات و تعصب‌های بیجا محصور بماند و پیشرفت نکند.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. کانت با استدلال دیگری که با استدلال دکارت متفاوت بود، به اثبات حقیقت نفسانی انسان و اراده و اختیار آن پرداخت. او از این راه، نفس مختار و اراده‌ی آزاد انسان را اثبات کرد و گفت انسان یک موجود اخلاقی و برخوردار از وجدان اخلاقی است و یک چنین ویژگی بدون وجود اختیار و اراده‌ی آزاد معنا ندارد. اختیار نیز ویژگی نفس است، نه بدن که یک امر مادی است.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. افلاطون، ارسطو، دکارت و کانت معتقدین به روح و بدن هستند، اما هابز، مارکس و داروینیست‌ها معتقدین به انسان تک‌ساحتی بودند.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. موارد ب، د، ه درست و الف، ج، ی نادرست‌اند.

الف) دکارت برعکس ماتریالیست‌ها حقیقت انسان را ماشین پیچیده نمی‌پنداشت.

ب) از نظر ابن‌سینا روح بعد از کامل شدن رشد جسم به جنین عطا می‌شود پس هم‌زمان با رشد او استعدادهای آن بالفعل نمی‌شوند.

ی) با ارزش‌ترین دارایی انسان، از دیدگاه افلاطون نفس است نه ارسطو (شاگرد افلاطون)

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. یکی از مسائل مورد توجه فیلسوفان از ابتدای شکل‌گیری فلسفه تاکنون مسئله‌ی «حقیقت انسان» بوده است. آن‌ها در این مورد نظرات مختلف و گاه متضادی بیان کرده‌اند. بیان «نظرات فلاسفه و تأمل در آن‌ها» می‌تواند ما را برای رسیدن به یک دیدگاه روشن کمک کند.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. سقراط، افلاطون، ارسطو، کانت و دکارت برای انسان حقیقتی دوبعدی قائل‌اند و مارکس و هابز انسان را تک‌بعدی و تک‌ساحتی تفسیر می‌کنند (رد گزینه‌های ۳ و ۴)؛ اما باید دقت کنیم که کانت و دکارت متعلق به دوره‌ی جدید هستند. پس لزوماً با فیلسوفان یونانی در یک دسته نمی‌گنجند. از طرف دیگر، می‌دانیم که دیدگاه‌های افلاطون بازتاب‌دهنده‌ی دیدگاه‌های سقراط نیز هست و ارسطو نیز، دیدگاه‌های انسان‌شناسانه‌ی افلاطون را پذیرفته بود. بنابراین، بیش‌ترین شباهت میان این سه فیلسوف وجود دارد.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است.

میلیون تومان $30 = 3 + 1/5 + 4/5 + 5/5 + 7 + 2/5 + 6 =$ مجموع مخارج سالیانه

مجموع مخارج سالیانه - درآمد سالیانه = میزان پس انداز فرد

میلیون تومان $27 = 57 - 30 =$ میزان پس انداز فرد

$$\text{مقدار خمس} = 27 \times \frac{20}{100} = 5/4$$

الف) هزینه‌ی فرصت حرکت از نقطه‌ی «الف» به نقطه‌ی «ب» میزان کالای A است که از فرد از خرید آن صرف‌نظر کرده است تا بتواند میزان بیشتری از کالای B را بخرد.

در نقطه‌ی «الف» ۳ واحد کالای A و در نقطه‌ی «ب» ۲ واحد کالای A خریداری می‌شود، بنابراین هزینه‌ی فرصت حرکت از نقطه‌ی «الف» به نقطه‌ی «ب»، ۱ واحد کالای A است ($3 - 2 = 1$) که از خرید آن صرف‌نظر شده است، اما در صورت سؤال ارزش هزینه‌ی فرصت به تومان خواسته شده است و نه براساس واحد یا تعداد کالایی که از خرید آن صرف‌نظر کرده‌ایم، در نتیجه خواهیم داشت:

= ارزش هزینه‌ی فرصت

ارزش هر واحد از کالایی که از خرید آن صرف‌نظر شده $\times$ تعداد (واحد) کالایی که از خرید آن صرف‌نظر شده

$$= (3 - 2) \times 10,000 = 10,000 \text{ تومان}$$

ب) هر نقطه بر روی نمودار خط بودجه، نشان‌دهنده‌ی مقدار کالای A و B است که فرد می‌تواند بخرد.

در نقطه‌ی برخورد نمودار خط بودجه با محور عمودی فرد تمامی پول خود را به خرید کالای A اختصاص می‌دهد و می‌تواند حداکثر ۵ واحد از این کالا را خریداری کند و با توجه به اینکه قیمت هر واحد کالای A ، ۱۰,۰۰۰ تومان است، خواهیم داشت:

$$\text{تومان } 50,000 = (5 \times 10,000) + (0 \times 5,000) = \text{بودجه‌ی فرد}$$

هر نقطه بر روی نمودار خط بودجه، نشان‌دهنده‌ی مقدار کالای A و B است که فرد می‌تواند با بودجه‌ی مشخص ۵۰,۰۰۰ تومان بخرد، در نتیجه خواهیم داشت:

$$50,000 = (3 \times 10,000) + (x \times 5,000)$$

$$\Rightarrow 50,000 = 30,000 + (x \times 5,000) \Rightarrow 20,000 = x \times 5,000 \Rightarrow x = \frac{20,000}{5,000} = 4 \text{ واحد}$$

ج) با توجه به اینکه: ۱- میزان بودجه‌ی فرد برابر با ۵۰ هزار تومان است و ۲- قیمت هر واحد کالای B ، ۵,۰۰۰ تومان است، خواهیم داشت:

$$\text{میزان بودجه فرد} = \frac{\text{حداکثر کالای } B \text{ خریداری شده}}{\text{قیمت هر واحد کالای } B}$$

$$\Rightarrow \text{عدد } 10 = \frac{50,000}{5,000} = \text{حداکثر کالای } B \text{ خریداری شده}$$

اگر فرد تمامی بودجه‌ی خود را به خرید کالای B اختصاص دهد، حداکثر می‌تواند ۱۰ واحد از این کالا را خریداری کند.

الف) این فرد برای مخارج خدمات منزل (۰/۷۵ میلیون تومان) کمتر از سایر مخارج خود، هزینه کرده است.
(ب)

$$\text{میلیون تومان } ۳۱/۸۱ = ۱/۳۲ + ۰/۷۵ + ۶/۰۷ + ۳/۱۲ + ۶/۲۵ + ۳/۱۵ + ۵/۱۵ + ۶ = \text{مجموع مخارج سالانه فرد}$$

$$\text{درصد } ۱۹/۶۴ \approx \frac{۶/۲۵}{۳۱/۸۱} \times ۱۰۰ = \text{درصد مخارج سالانه ی صرف شده برای غذا و پوشاک}$$

(ج)

$$\begin{aligned} \text{میلیون تومان } ۳۱/۸۱ &= \text{مجموع مخارج سالانه ی فرد} \\ \text{میلیون تومان } ۳۷ &= \text{درآمد سالانه ی فرد} \\ \text{میلیون تومان } ۵/۱۹ = ۳۷ - ۳۱/۸۱ &= \text{پس انداز سالانه ی فرد} \end{aligned}$$

(د)

$$\text{درصد } ۸۵/۹۷ \approx \frac{۳۱/۸۱}{۳۷} \times ۱۰۰ = \frac{\text{مجموع مخارج سالانه ی فرد}}{\text{درآمد سالانه ی فرد}} \times ۱۰۰ = \text{میزان خرج از بودجه ی فرد}$$

الف) خمس در واقع همان مالیات اسلامی است. پرداخت خمس، موجب توزیع مجدد ثروت می شود و عدالت اقتصادی را در جامعه گسترش می دهد. همچنین کسانی که توان کار و فعالیت اقتصادی ندارند، از منابع خمس استفاده می کنند تا بتوانند ادامه ی حیات دهند.

ب) در برنامه ریزی های اقتصادی خود حتماً توجه داشته باشید که زمانی را به عنوان آغاز سال مالی تان در نظر بگیرید. البته به صورت طبیعی، سال مالی از همان روزی که اولین درآمدها را به دست آورده اید، شروع می شود.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. انواع هزینه در بودجه ریزی ماهیانه، شامل هزینه های ثابت و متغیر است. در خرید مقایسه ای لازم است، عوامل مختلفی از قبیل تفاوت در ویژگی ها، اندازه ها، کیفیت محصول، هویت محصول، عملکرد آن، قیمت و خدمات پس از فروش و ... در نظر گرفته شود. انتخاب را به گونه ای انجام دهید که اقتصاد شما، خانواده و جامعه، بیشترین منفعت و کمترین هزینه را ببرد.

(مجموع مخارج فرد برای اقلام مصرفی که خریده ولی استفاده نکرده + میزان درآمد فرد که در پایان سال باقی مانده)

$$\begin{aligned} \text{خمس} &= \frac{۲۰}{۱۰۰} \times \\ \Rightarrow ۲,۹۰۰,۰۰۰ &= \frac{۲۰}{۱۰۰} (۱۲,۰۰۰,۰۰۰ + x) \Rightarrow ۲۹۰,۰۰۰,۰۰۰ = ۲۴۰,۰۰۰,۰۰۰ + ۲۰x \\ \Rightarrow ۲۹۰,۰۰۰,۰۰۰ - ۲۴۰,۰۰۰,۰۰۰ &= ۲۰x \Rightarrow x = \frac{۵۰,۰۰۰,۰۰۰}{۲۰} = ۲,۵۰۰,۰۰۰ \end{aligned}$$

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. در جدول دوره ای هزینه ها مواردی چون: ۱- نوع هزینه ۲- پیش بینی پذیر بودن یا نبودن آن ها ۳- ثابت یا متغیر بودن لحاظ می شود.

الف) مراحل بودجه‌بندی:

۱- مشخص کردن همه‌ی درآمدها

۲- فهرست کردن هزینه‌های ثابت و متغیر

۳- مقایسه‌ی مجموع درآمدها و هزینه‌ها

۴- کاهش هزینه‌های غیرضروری و شناسایی فرصت‌ها در جهت افزایش درآمد

ب) بودجه‌ها از دو بخش درآمدها و هزینه‌ها تشکیل می‌شوند.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. ابتدا باید در آمد سالیانه را به دست آوریم:

$$30 \times$$

الف) حال باید میزان کل هزینه‌ها را محاسبه کنیم:

$$90 + 2/5 + 1/5 + 8 + 10 + 6/5 + 38 + 15 = 171/5 \text{ میلیون تومان}$$

حال کافی است آن را به ۱۲ تقسیم کنیم تا مخارج ماهیانه به دست آید:

$$171/5 \div 12 = 14/29 \text{ میلیون تومان}$$

ب) مقدار پس‌انداز فرد برابر است با اختلاف درآمد با مجموع هزینه‌ها (مخارج) و سرمایه‌گذاری‌ها:

$$360 - (171/5 + 52) = 136/5 \text{ میلیون تومان}$$

ج) برای به دست آوردن میزان خمس پرداختی، باید میزان مازاد درآمد را بر ۵ (۲۰٪) تقسیم کنیم:

$$136/5 \div 5 = 27/3 \text{ میلیون تومان}$$

گزینه ۲ پاسخ صحیح است.

الف)

$$\text{میلیون ریال } 12/45 = 2/4 + 1/75 + 2 + 3/65 + 1/15 + 1/5 = \text{مجموع مخارج فرد } A$$

$$\text{میلیون ریال } 22/55 = 35 - 12/45 = \text{پس‌انداز ماهانه‌ی فرد } A$$

ب)

$$\text{درصد } 29/31 = \frac{3/65}{12/45} \times 100 = \text{مخارج ماهانه‌ی صرف شده برای حمل و نقل}$$

گزینه ۳ پاسخ صحیح است.

$$30 = 6 + 2/5 + 7 + 5/5 + 4/5 + 1/5 + 3 = \text{مجموع مخارج سالیانه}$$

$$27 = 57 - 30 = \text{میزان پس‌انداز فرد}$$

$$5/4 = 27 \times \frac{20}{100} = \text{مقدار خمس}$$

گزینه ۲ پاسخ صحیح است.

الف) برای این‌که پس‌انداز داشته باشیم باید هزینه‌ها از درآمد کمتر باشد.

ب) اجازه‌ی منزل در ماه یک مبلغ مشخص است و تغییر نمی‌کند، بنابراین ثابت است. علاوه بر آن چون این هزینه

به‌صورت اتفاقی رخ نمی‌دهد و در هر ماه وجود دارد بنابراین قابل پیش‌بینی و برنامه‌ریزی است.

زمان لازم برای رسیدن به اهداف کوتاهمدت کمتر از دو ماه است.

زمان لازم برای رسیدن به اهداف میانمدت از دو ماه تا سه سال است.

زمان لازم برای رسیدن به اهداف بلندمدت سه سال و یا بیشتر است.

این فرد ۲۰۰ هزار تومان در هفته به دست می آورد. او هر هفته ۵۰ هزار تومان در سپرده‌ی بانکی‌اش پس انداز می کند و هفته‌ای ۲۰ هزار تومان هم به خیریه می دهد و هفته‌ای ۷۰ هزار تومان برای خوراکی و سرگرمی خارج می کند.

هزار تومان $۹۰ = ۲۰ + ۷۰ =$ مجموع مخارج یک هفته

هزار تومان $۶۰ = (۲۰ + ۷۰ + ۵۰) - ۲۰۰ =$ میزان پس انداز به صورت نقدی در طول یک هفته

پس انداز به صورت نقدی + پس انداز در بانک = مجموع پس انداز یک هفته

هزار تومان $۱۱۰ = ۵۰ + ۶۰ =$ مجموع پس انداز یک هفته

هفته $۶ = \frac{۶۶۰}{۱۱۰} =$ مدت زمان لازم برای پس انداز جهت ثبت نام در کلاس

بنابراین هدف مشخصی شده در صورت سؤال یک هدف کوتاهمدت است. (۶ هفته یک بازه‌ی زمانی کمتر از دو ماه است.)

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. فرض کنید دولت یا یکی از سازمان‌های رسمی و قانونی کشور قصد دارد یک فعالیت

اقتصادی مشخص راه اندازی کند یا برای توسعه‌ی یک فعالیت اقتصادی مشخصی که تاکنون وجود داشته است، تأمین مالی کند. در این صورت یکی از راه‌های تأمین مالی، انتشار اوراقی است که به آن اوراق مشارکت می گویند. شما می توانید سرمایه‌ی پولی خود را به دولت یا آن سازمان بدهید تا در فعالیت آنها مشارکت کنید. در مقابل، دولت یا سازمان مورد نظر، اوراق مشارکتی را متناسب با میزان سرمایه گذاری شما به شما ارائه می دهد. علاوه بر آنکه به این اوراق مالی، برحسب فعالیت اقتصادی مرتبط، سودی تعلق می گیرد، قابل خرید و فروش نیز هستند.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. اگر هزینه‌ها بیشتر از درآمد بود، مخارج غیرضروری را کم کنید یا فرصت‌هایی را که فراموش کردید، به نظر آورید تا درآمدتان افزایش یابد.

